پولن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
فجر نامه
شماره دوازدهم سه شنبه ۷ بهمن ۹۶

با سهیل بیرقی از تجربه جدید فیلمسازی و شکل‌گیری ایده «عرق سرد»

قدم زدن در تاریکی را دوست دارم

با هومن سیدی درباره فضای خاص «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و آدم‌های عجیب آثارش

عصیانی که از بطن جامعه می آید

عکس: امیر حسین شجاعی

۱۳ سانس فوق العاده برای ۸ فیلم در روز پنجم

پنجمین روز از سی وششمین جشنواره فیلم فجر در سینماهای مردمی در حالی به پایان رسید که ۸ فیلم از میان ۲۵ فیلم حاضر در آن، به سانس فوق العاده رسید.

بر این اساس که فیلم سینمایی «به وقت شام» در سینما استقلال، «مغزهای کوچک زنگ زده» در پردیس مگامال و سینما آزادی، «عرق سرد» در پردیس کوروش، «دارکوب» در پردیس چارسو، «لاتاری» در پردیس کیان، پردیس مگامال و سینما آزادی، «بمب؛ یک عاشقانه» در پردیس کوروش و سینما جوان و «چهار راه استانبول» در سینما آزادی و سینما ماندانا به سانس فوق‌العاده رسیدند.

سانس‌های فوق‌العاده در باغ کتاب

هنرمندان و اهالی سینما که نتوانستند فیلم‌های نمایش‌داده شده در روز اول جشنواره را در باغ کتاب ببینند، می‌توانند در سانس‌های فوق‌العاده به تماشای این فیلم‌ها بنشینند.

بر اساس جدول جدید سالن‌های سینمای هنرمندان و اهالی سینما در باغ کتاب، فیلم‌های ماهور، زنانی با گوشواره‌های باروتی، فیلشاه، بانوقدس ایران، اتاق تاریک و بسته فیلم‌های کوتاه در سانس‌های ۲۳ از دوشنبه ۱۶ بهمن تا شنبه ۲۱ بهمن روی پرده خواهند رفت.

«محمد حمیدی‌مقدم» کارگردان اختتامیه جشنواره فجر۳۶

«محمد حمیدی‌مقدم» مراسم پایانی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر را کارگردانی خواهد کرد.

مراسم پایانی جشنواره سی و ششم عصر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار خواهد شد و دست‌اندرکاران برگزاری اختتامیه برای اهدای سیمرغ‌های بلورین این دوره از جشنواره به برگزیدگان، درصدد اجرای یک برنامه گرم و باشکوه هستند.

«محمد حمیدی‌مقدم» به عنوان کارگردان این مراسم انتخاب شده و فعالیت خود را آغاز کرده ضمن آن که همان طور که پیش‌تر از سوی دبیر جشنواره عنوان شده بود؛ مجری مراسم اختتامیه، «رضا رشیدپور» خواهد بود.

جشن‌بزرگ «سیمرغ و پروانه‌ها» در گفت‌وگو با حبیب ایل‌بیگی

ترویج فرهنگ فیلم دیدن

محسن دلیلی

جشن بزرگ «سیمرغ و پروانه‌ها» به همت کارگروه تخصصی سینمای کودک بنیاد سینمایی فارابی و همکاری تشکل تازه تاسیس «مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان» که توسط جمعی از فعالان سینمای کودک و همچنین مرکز مردم نهاد «سامانه اردویی مدارس» با مشارکت ادارات کل آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های سراسر کشور شکل گرفته، یکی از طرح‌های نو و مثبتی است که امسال در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، برگزار می‌شود. در این طرح فیلم‌های «قهرمانان کوچک»، «دنیای کیف‌ها»، «فیلشاه»، «دزد و پری ۲» و «شکلاتی» به مدت پنج روز، در سینماهای جشنواره، نمایش داده می‌شوند و تا امروز استقبال خوبی از این طرح در تهران و سراسر کشور، صورت گرفته است.

در همین راستا، حبیب و ایل‌بیگی، قائم مقام بنیاد سینمایی فارابی، با بیان اینکه یکی از اولیت‌های مهم و اصلی سازمان سینمایی در دولت تدبیر و امید، توجه به سینمای کودکان و نوجوانان است، اظهار کرد: «بر اساس همین رویکرد نظر رییس سازمان سینمایی این بود که از فرصت جشنواره فیلم فجر، استفاده شود و فیلم‌های منتخب جشنواره کودکان و نوجوانان، به نمایش درآیند تا کودکان و نوجوانان نیز بتوانند سهمی در جشنواره فیلم فجر داشته باشند.»

او با اعلام این خبر که در آستانه تصویب اساسنامه مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان هستیم، تصریح کرد: «برای اجرای طرح جشن بزرگ سیمرغ و پروانه‌ها، تعدادی از سینماگران حوزه کودک و نوجوان، دعوت شدند که بخشی از برنامه‌ریزی و اجرای کار را بر عهده بگیرند. در کنار همه این موارد، سامانه اردویی مدارس را با این طرح همراه کردیم تا در آوردن دانش آموزان از مدارس، به این طرح کمک کنند که این گروه نیز به ما ملحق شد و توانستیم در فرصت کمی که داشتیم، برای همه ۱۲ سالن، رزرو گرفته و با ظرفیت کامل سالن‌های این طرح را پیش ببریم.»

قائم مقام بنیاد سینمایی فارابی درباره ملاک انتخاب این فیلم‌ها برای دانش‌آموزان، توضیح داد: «ما برنامه این طرح را برای پنج روز پیش‌بینی کردیم که در آن پنج فیلم برترو منتخب جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، نمایش داده می‌شود.»

ایل‌بیگی، با تاکید بر اینکه درخواست‌های دیگری از سوی برخی مدارس آمد که به‌دلیل عدم امکان اکران فیلم‌ها، نتوانستیم ترتیب اثر دهیم، گفت: هم‌زمان با این برنامه، در همه استان‌هایی که جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود، با مسوولیت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و همکاری آموزش و پرورش استان‌ها، جشن بزرگ سیمرغ و پروانه‌ها، به شکل مطلوبی، برگزار شده است.»

او با بیان اینکه این طرح می‌تواند بین کودکان سینما رفتن را به عنوان یک عادت فرهنگی، فرهنگ‌سازی و نهادینه کند، بیان کرد: در طول سال نیز کودکان و نوجوانان می‌توانند از طریق مدارس و همراه خانواده‌ها به سینما بروند و روی پرده، فیلم‌های مورد علاقه خود را ببینند.»

قائم مقام بنیاد سینمایی فارابی، با اشاره به آلودگی هوای تهران و تعطیلی مدارس، افزود: «هر چند آلودگی هوای تهران سبب شد تا مدارس تعطیل شوند اما رزرو مدارس محفوظ است و امیدواریم ضمن اکران فیلم‌ها در روزهای باقی مانده از جشنواره، بتوانیم این روز تعطیل را نیز در هفته آینده جبران کنیم.»

ایل‌بیگی در پاسخ به اینکه چه آینده‌ای را برای جشن بزرگ سیمرغ و پروانه‌ها پیش‌بینی می‌کنید، عنوان کرد: «ما این بخش را به‌عنوان یک بخش ثابت در جشنواره فیلم فجر دوره‌های بعد، پیش‌بینی کردیم تا فیلم‌های کودک و نوجوان بتوانند با توجه به اهمیتی که جشنواره فیلم فجر دارد، در سطح وسیع‌تری معرفی شوند و از این فرصت برای سینمای کودک و نوجوان استفاده شود.»

او ادامه داد: «امیدوارم بعد از جشنواره و با اکران فیلم‌های کودک و نوجوان، بتوانیم به شکل دائمی در نقاط مختلف تهران و شهرستان‌ها، با حضور عوامل فیلم‌ها این مراسم را برگزار کنیم.»

با سعید آقاخانی درباره تجربه متفاوت حضور در «کامیون»

سیمرغ شاید نه اما کاندید می‌شوم!

سعید آقاخانی، بازیگر و کارگردان سال‌های نه چندان دور کمدی، حالا چند سالی می‌شود که نقش‌های کاملا جدی و سخت را در سینما بازی می‌کند، نقش‌هایی که اکثر آن‌ها با استقبال اهالی سینما و منتقدان هم روبه رو شده است. امسال و در جشنواره سی و ششم نیز آقاخانی یک فیلم مهم دارد، فیلم سینمایی «کامیون» آخرین ساخته کامبوزیا پرتوی که او بازیگر نقش اصلی این فیلم است. آقاخانی در این فیلم، نقش یک راننده کامیون را ایفا می‌کند که از اربیل عراق، خانواده‌ای ایزدی را به ایران می‌آورد تا گمشده‌شان را پیدا کنند.

فیلم «کامیون» اولین اثری بود که در جشنواره فجر امسال در پردیس ملت (سینمای اهالی رسانه) به نمایش درآمد، اثری که برخی از منتقدان و خبرنگاران سینمایی از آن استقبال کردند و آن را فیلمی با یک قهرمان باورپذیر دانستند و بعضی دیگر نقدهای ریز و درشتی به بخش‌های گوناگون فیلم داشتند. اما اکثر کسانی که این فیلم را دیدند متفق‌القول معتقد بودند که سعید آقاخانی در این فیلم خوش‌درخشیده و باوجود گریم سنگینی که داشته یکی از بهترین نقش‌های خود را بازی کرده است. آقاخانی در نشست مطبوعاتی این فیلم یکی از مهم‌ترین افرادی بود که بیشتر دوربین‌های عکاسی روی او زوم کرده بودند و سوالات زیادی هم از این بازیگر درباره ایفای این نقش و دردسرهایی که داشت، پرسیده شد.

سعید آقاخانی در گفت‌وگویی کوتاه و اختصاصی با خبرنگار بولتن سی و ششمین جشنواره فیلم فجر، خودش را یکی از کاندیداهای دریافت سیمرغ بهترین بازیگر جشنواره سی و ششم می‌داند. او در پاسخ به این پرسش که امسال سیمرغ را دریافت خواهد کرد یا نه؟ می‌گوید: «سیمرغ که شاید نگیرم، اما برای آن کاندید خواهم شد». پیش‌بینی که نتیجه آن در روز ۲۲ بهمن مشخص خواهد شد، روزی که بهترین‌های جشنواره مشخص می‌شود و در هر بخش یک نفر تندیس بلورین سیمرغ جشنواره را با خود به خانه خواهد برد. آقاخانی امسال برای دریافت این جایزه رقبای خوبی دارد و باید ببینیم در نهایت، پیش‌بینی او درست از آب درمی‌آید یا او از دایره نامزدهای کسب سیمرغ بهترین بازیگر مرد جشنواره سی و ششم بیرون می‌ماند.

با رعنا آزادی‌ور درباره تنها نقشش در جشنواره ۳۶

جذابیت‌های یک نقش چالش‌برانگیز

رعنا آزادی‌ور یکی از سه بازیگر زن فیلم جدید مصطفی کیایی است. او در این اثر در نقش زن جوانی ظاهر شده که انتخاب ملتهبی برای ازدواج داشته و نمی‌خواهد خواهر کوچکترش هم به این التهاب دچار شود، اما مسیر نادرستی را در پیش می‌گیرد؛ در حقیقت رویکردی منفعلانه در برابر تصمیمات غلط پدرش در مواجهه با این مشکل دارد و موفق نمی‌شود به عنوان زن بزرگتر خانواده، نقشی حمایت‌گرانه داشته باشد. از طرف دیگر، با در نظر گرفتن جایگاه نقش و موقعیت آن در داستان، آزادی‌ور موفق می‌شود در همان مدت کوتاه هم چهره یک زن عاشق و دل‌سوز را برای مخاطب به نمایش بگذارد.

او در نشست پرسش و پاسخ فیلم در پردیس ملت، عنوان کرد متعصبانه این فیلم را دوست دارد و وقتی‌ام علت این همه علاقه را از او جویا شدیم، این‌چنین توضیح داد. «من با جدیت تأکید کردم که «چهار راه استانبول» را خیلی دوست دارم و دلیل مهم و نخستین آن‌هم خود مصطفی کیایی است. من او را به‌عنوان کارگردانی که می‌تواند به خوبی بازیگر را هدایت کند، بسیار قبول دارم. او بازی و بازیگر را به‌درستی می‌شناسد و به زیبایی از عهده راهنمایی او به نفع فیلم برمی‌آید. دیگر آن که نقشم را خیلی دوست دارم. در همه سال‌ها امکان حضور در چنین قالبی هرگز برایم فراهم نشده بود و کمتر توانسته بودم کاراکتری را بازی کنم که با خود واقعی‌ام متفاوت باشد و مرا به چالش بکشد».

او در پاسخ به این پرسش که آیا کوتاه بودن نقش، او را برای قبول فیلمنامه دچار تردید نکرد، این‌گونه توضیح داد. «از نگاه من این فیلم اصلا هیچ بازیگر نقش یک یا اول نداشت و همه به یک اندازه در پیشبرد قصه سهیم بودند». رعنا آزادی‌ور در پایان تاکید کرد: «من از همه خواهش می‌کنم به تماشای این فیلم بیایند، چراکه به شدت اثر خوبی‌ست و ما برای آن بسیار زحمت کشیده‌ایم. همه به این نکته واقف هستیم که هر فیلمی که در جشنواره حضور دارد، تلاش دست‌اندرکارانش را برانگیخته، اما من از مردم می‌خواهم به تماشای این اثر بنشینند و خودشان قضاوت کنند؛ کوششی که ما برای «چهار راه استانبول» به خرج دادیم حقیقتا ویژه و مضاعف بود».

بازیگران فیلمساز جشنواره سی‌وششم چه کسانی هستند؟

از بازیگری به فیلمسازی

دنیا عیوضی

روزهای سی‌و ششمین جشنواره فیلم فجر آرام_آرام می‌گذرد؛ جشنواره‌ای که بدون شک در برخی موارد مشابه با ادوار قبلی است و در برخی دیگر متفاوت. حضور بازیگرانی که مدتی‌ست به عرصه فیلمسازی پا گذاشته‌اند را شاید بتوان یکی از همین شباهت‌ها و تفاوت‌ها برشمرد که بعضا در دوره‌ای شاهدش بوده‌ایم و در دوره‌ای دیگر نه. چنانکه چهار بازیگر، حالا در سی‌وششمین فیلم فجر در قامت کارگردان ظاهر شده‌اند.

پیمان معادی؛ «بمب؛ یک عاشقانه»

پیمان معادی سال‌ها قبل از اینکه با فیلم «درباره‌الی» پا به عرصه بازیگری بگذارد در فیلمنامه‌نویسی فعال بود. «آواز قو»، «شام عروسی»، «کافه ستاره»، «کما» و «عطش» از جمله تجربه‌های او در زمینه نگارش فیلمنامه است. خشت اول بازیگری معادی برای اولین بار در سال ۸۷ با پیشنهاد اصغر فرهادی برای فیلم «درباره الی» نهاده شد، فیلمی که معادی در آن بازی قابل توجه‌ای از خود ارائه داد و دو سال بعد در سال ۸۹ با فیلم«جدایی نادر از سیمین» بار دیگر جلوی دوربین فرهادی رفت. این بازیگر همچنین بازی در چند سریال و فیلم سینمایی خارج از کشور را در کارنامه دارد که او را به هنرمند بین‌المللی تبدیل کرده‌است. در همین حال پیمان معادی با ساخت «برف روی کاج‌ها» در سال ۸۹ اولین تجربه کارگردانی را برای خود رقم زد، فیلمی که در سی‌امین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را به‌دست آورد. معادی اما همچنان فعالیت بازیگری خود را ادامه داد و سال ۹۵ در فیلم «ابد و یک روز» ساخته سعید روستایی در نقش «مرتضی» ظاهر شد. نقشی که این بازیگر را نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد از سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر کرد. این در حالی‌ست که پیمان معادی امسال برای دومین بار در قامت کارگردان، فیلمنامه خود را مقابل دوربین برده و عنوان «بمب؛ یک عاشقانه» را برای آن برگزیده است. فیلمی که با حال و هوایی متفاوت از ملودرام «برف روی کاج‌ها» ساخته‌شده و روایتی از موشک‌باران تهران در سال ۶۶ است. پیمان معادی، لیلا حاتمی، حبیب رضایی، سیامک انصاری، سیامک صفری، بهادر مالکی، رامین پورایمان، معصومه قاسمی‌پور، صبا گرگین پور و باران معادی از جمله بازیگرانی هستند که در تازه‌ترین تجربه کارگردانی پیمان معادی مقابل دوربین محمود کلاری رفته‌اند.

بهروز شعیبی؛«دارکوب»

بهروز شعیبی که با بازیگری در فیلم «آژانس شیشه‌ای» به عرصه سینما وارد شده‌بود، پس از ایفای نقش در فیلم‌های «پسران مهتاب»، «طلا و مس»، «مهمان داریم» و چند فیلم دیگر، «باغ آلوچه» را در سال ۸۴ برای سینمای کودک ساخت و سال ۹۱ با فیلم «دهلیز» به صورت جدی وارد عرصه فیلمسازی شد. فیلمی که در سی‌و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین فیلم در بخش نگاه نو(فیلم‌های اول) شد. شعیبی سه سال بعد«سیانور» را برای سینما ساخت، فیلمی که به وقایع سیاسی قبل از انقلاب اسلامی اشاره داشت. «دارکوب» سومین فیلم سینمایی بهروز شعیبی است که در جشنواره سی‌وششم حضور دارد، فیلمی اجتماعی که زمستان سال گذشته جلوی دوربین رفته و به معضل اعتیاد

می‌پردازد. شعیبی مثل دوفیلم قبلی خود با سید محمود رضوی در مقام تهیه کننده همکاری کرده است. مهناز افشار، سارا بهرامی، جمشید هاشم پور، هادی حجازی فر، طوفان مهردادیان، نگار عابدی، شادی کرم‌رودی، ثریا حلی، آتیه جاوید، علیرضا کی‌منش، ندا عقیقی و امین حیایی بازیگران این فیلم هستند.

هومن سیدی؛ «مغزهای کوچک زنگ زده»

«یک تکه نان» اولین تجربه بازیگری هومن سیدی بود و سپس نقش کوتاهی را در «چهارشنبه‌سوری» اصغر فرهادی ایفا کرد و کمی بعدتر برای بازی در نقش اصلی «پابرهنه در بهشت» بهرام توکلی انتخاب شد. در کارنامه هنری سیدی فیلم‌های دیگری مثل «خط ویژه»، «نیمرخ‌ها»، «در مدت معلوم»، «پل خواب» و «مادری» به چشم می‌خورد. این بازیگر در سی و سومین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای فیلم «من دیه گو مارادونا هستم» به‌دست آورد. هومن سیدی پس از ساخت چند فیلم کوتاه از جمله «۳۵ متری سطح آب» و «دندان آبی» که به خاطر آن‌ها جوایز متعددی از جشنواره فیلم کوتاه تهران کسب کرد، اولین فیلم بلند خود را سال ۸۹ با نام «آفریقا» کارگردانی کرد. این فیلم در بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر (بخش آثار ویدئویی) جایزه بهترین فیلم و بهترین بازیگر نقش اول زن (آزاده صمدی) را از آن خود کرد. «سیزده»، «اعترافات ذهن خطرناک من» و «خشم و هیاهو» از جمله آثاری است که سیدی در مقام کارگردان در آن‌ها حضور داشت. فیلم «مغزهای کوچک زنگ زده» جدیدترین ساخته هومن سیدی و پنجمین فیلم بلند او بعد از خشم و هیاهوست. که در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. فیلمی که به خانواده‌ای می‌پردازد که در محله جنوب شهر زندگی می‌کنند و کارگاه تولید مواد مخدر صنعتی دارند. سه برادر به نام‌های «شهروز»، «شکور»، «شاهین» و یک خواهر به نام «شهره»، پدر و مادر و مادربزرگ اعضای این خانواده هستند. شاهین با بازی نوید محمدزاده و شکور با بازی فرهاد اصلانی در این فیلم همراه شده است. لوکیشن فیلم نیز یک محله در جنوب شهر است.

مهران احمدی؛«مصادره»

مهران احمدی، تازه‌ترین بازیگری‌ست که تصمیم به کارگردانی گرفته؛ احمدی در قامت بازیگر، چند نقش خوب از جمله «هیچ»، «نفس» و «شیار۱۴۳» را در کارنامه دارد. فیلم «آدم» اولین تجربه بازیگری مهران احمدی به حساب می‌آید؛ احمدی پس از بازی در این فیلم در سال ۸۵ به ترتیب در فیلم‌های «بیست»، «آن جا»، «هیچ»، «خواب‌های دنباله‌دار»، «صدای پای من»، «سیزده ۵۹»، «خواب است پروانه»، «اسب حیوان نجیبی است»، «آلزایمر»، «یکی برای همه»، «یک خانواده محترم»، «بغض»، «روز روشن»، «آینه شمعدون»، «شیار ۱۴۳»، «سیزده»، «تمشک»، «تتل و راز صندوقچه»، «تگرگ و آفتاب»، «نفس»، «ماحی»، «من دیوانه نیستم» و «کارگر ساده نیازمندیم» ایفای نقش کرده‌است. مهران احمدی پس از سال‌ها فعالیت در عرصه سینما و تئاتر با فضای پشت صحنه سینما نیز بیگانه نیست و چند سال تجربه دستیاری کارگردانی و برنامه‌ریزی را در کارنامه دارد و حالا اولین فیلم خود را با عنوان «مصادره» کارگردانی کرده و به جشنواره فیلم فجر آورده‌است. احمدی در اولین تجربه کارگردانی خود، سراغ ساخت یک فیلم کمدی با حضور بازیگران نام‌آشنایی رفته است. بازیگرانی همچون رضا عطاران، بابک حمیدیان و هومن سیدی در این فیلم حضور دارند. تهیه‌کنندگی «مصادره» را محمدحسین قاسمی به عهده دارد که مهران احمدی پیش‌تر در آثاری چون «نفس» و «شیار۱۴۳» با او همکاری کرده بود. فیلمنامه «مصادره» را علی فرقانی نوشته و مسعود سلامی هم مدیر فیلمبرداری فیلم است.

بازیگر-کارگردا

REC
00:02:37

2
1
0
-1
-2

4K
60FPS
80 Mbps

فرامرز قریبیان

تجربه کارگردانی در فیلم‌های «جدال در تاسوکی»، «قانون»، «چشم‌هایش» و «گناهکاران»

حمید جبلی

تجربه کارگردانی در فیلم‌های «پسر مریم» و «خواب سفید»

سیامک اطلسی

تجربه کارگردانی در فیلم‌های «مشت»، «سفر پرماجرا» و «راز شب بارانی»

مهشید افشارزاده

تجربه کاردانی فیلم «پنج ستاره»

نیکی کریمی

تجربه کارگردانی فیلم‌های «سوت پایان»، «چند روز بعد» و «شیفت شب»

شاهد احمدلو

تجربه کارگردانی فیلم‌های «چند می‌گیری کریه کنی؟» و «اگه می‌تونی منو بگیر»

نکات: تجربه کارگردانی برای برخی از بازیگران
محمد کاسبی، مجید مظفری و حمید فرخ‌نژاد در
کریمی، علی مصفا، رضا عطاران، محمد متوسلانی
پیمان معادی، بهروز شعیبی و هومن سیدی در کنار فعال

رامبد جوان

تجربه کارگردانی فیلم‌های «اسپاگتی در هشت دقیقه»، «ورود آقایان ممنوع» و «تگار»

..1..2..3

ن سینمای ایران

ISO
800

AUTO

AF-S

علی مصفا

تجربه کارگردانی فیلم‌های «سیمای زنی در دور دست» و «پله آخر»

رضا عطاران

تجربه کارگردانی فیلم‌های «خوابم میاد» و «رد کارپت»

سعید آقاخانی

تجربه کارگردانی فیلم «لامپ ۱۰۰»

حمید فرخ‌نژاد

تجربه کارگردانی فیلم «سفر سرخ»

هومن سیدی

تجربه کارگردانی فیلم «آفریقا»، «سیزده»، «اعترافات ذهن خطرناک من»، «خشم و هیاهو» و «مغزهای کوچک زنگ زده»

پیمان معادی

تجربه کارگردانی «برف روی کاج‌ها»، «بمب، یک عاشقانه ساده»

مانند دایوش ارجمند، جعفر والی، بهزاد بهزادپور، حد یک تجربه بوده و برای برخی دیگر مانند نیکی ، ایرج طهماسب، مهدی فخیم‌زاده، رامبد جوان، یت بازیگری تداوم پیدا کرده است.

بهروز شعیبی

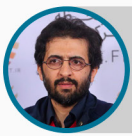

تجربه کارگردانی فیلم‌های «دهلیز»، «سیانور» و «دارکوب»

3..2..1..

فجر نامه

پولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
طراح: علی شکوری

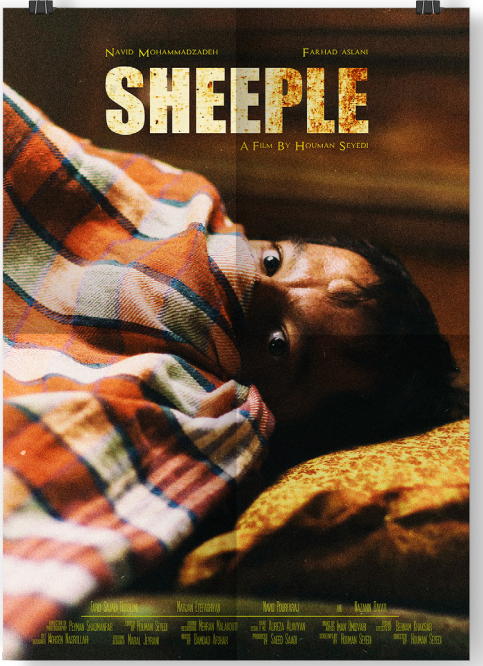

هومن سیدی و ادامه تجربه گرایی در کارگردانی

اکیپ عجیب و غریب‌ها!

سارا کنعانی

«مغزهای کوچک زنگ‌زده» را تا امروز متفاوت‌ترین فیلم هومن سیدی معرفی کرده‌اند. برای کارگردانی که فیلم به‌فیلم وجهه تازه‌ای از خود نشان داده، این پسوند «تر» که به کلمه متفاوت می‌چسبد، می‌تواند خیلی کنجکاوبرانگیز باشد. او این بار قرار است چه داستانی را با چه حجمی از عصیانگری برای مخاطب تعریف کند؟ لوکیشن، درست مثل فیلم «سیزده» شهرک مسکونی اکباتان است و اتفاقاً همان اکیپ آدم‌های عجیب‌وغریب و نابه‌هنجار، این بار هم حضور دارند با این تفاوت که این بار گروهشان خیلی بزرگ‌تر شده و شاید عصبانی‌تر از آدم‌های «اعترافات ذهن خطرناک من» هم باشند. جالب است که سیدی تمام این نقش‌ها را به چهره‌هایی جدید در عرصه بازیگری از جمله شاگردان کلاس خودش سپرده است؛ حتی دو نقش اصلی مرد و زن فیلم را دو جوان شناخته نشده یعنی نوید پورفرج و مرجان اتفاقیان بازی می‌کنند که دانش بازیگری را از خود سیدی فرا گرفته‌اند. به غیر از آنان، گروه دیگری از بازیگران هم همگی هنرجویان بازیگری هستند که تجربه جدی خود را با این فیلم پشت سر گذاشته‌اند؛ لادن ژاوه‌وند، مهیار راحت‌طلب، مهرداد بهاءالدینی، معین شاه‌چراغی، اشکان حسن‌پور، پیمان پازوکی، امید شیری، آرمین بهجت، تیام منیری، تبسم جمالی‌پور، منصوره ایلخانی، کامران دبیری، صفر محمدی و محمود کیان. البته فیلم از حضور نوید محمدزاده و فرهاد اصلانی هم بهره می‌برد. هومن سیدی خودش هم نقشی را بازی کرده و فرید سجادی حسینی هم یکی دیگر از بازیگران است. او سرپرستی گروه کارگردانی را هم بر عهده داشته است. نازنین بیاتی نیز نقشی را بر عهده دارد. سیدی نگارش این فیلم را هم همانند دیگر آثار خود، بر عهده داشته و همچنین بار دیگر، سعید سعدی را به‌عنوان تهیه‌کننده کنار خود دارد. آخرین لوکیشنی که فیلم در آنجا فیلم‌برداری شده محله احمدآباد مستوفی است. آواز خواننده خاص امروز یعنی رضا کولقانی برای این فیلم نیز از دیگر نکات قابل توجه آن است. هومن سیدی حالا با «مغزهای کوچک زنگ‌زده» قرار است تصویر یکی از مهم‌ترین طیف‌های اجتماعی که به نظر می‌رسد تا به امروز نمود چندانی بر پرده نقره‌ای نداشته‌اند را پیش روی مخاطبان جشنواره‌ای بگذارد؛ تصویری از جوانانی عصیانگر و در عین حال زخم‌خورده که دور از انتظار نیست که با اقبال مخاطبان نیز مواجه شود.

در مسیر ترقی

هومن سیدی به من لطف دارد و می‌گوید اگر نبودم، این فیلم ساخته نمی‌شد اما این یک حرف زیبا و در عین حال غیرواقعی است. حقیقت این است که «مغزهای کوچک زنگ‌زده» حاصل تلاش همه عزیزان در این پروژه است و تک‌تک همکارانی که در ساخته شدن فیلم دست دارند، از خوشحالی این روزهای فیلم در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر سهم دارند. من نیز به‌عنوان یک تهیه‌کننده در خدمت دیگران بودم و از این تجربه بسیار خرسندم. ما مصمم شدیم یک کار خوب را انجام دهیم و دست‌به‌دست هم دادیم تا این فیلم ساخته شود. من هم شخصیت هومن را دوست دارم و هم سینمای او را.

احساس می‌کنم او جوانی‌ست مستعد و آینده‌دار در این سینما و فرداهای خوبی در انتظارش نشسته است و شاید پله‌های ترقی را چند تا یکی بالا برود. «مغزهای کوچک زنگ‌زده» با تمام فیلم‌هایی که او امروز ساخته، متفاوت است و از ساختار جدیدی نسبت به دیگر فیلم‌های او بهره می‌برد. مهم‌ترین تکنیکی که در این فیلم به کار بسته شده، تکنیک دو دوربینه است و البته حضور پیمان شادمانفر هم بسیار مؤثر بود. در نتیجه فیلم ریتم خیلی تندی دارد. در این فیلم بازیگران زیادی بازی می‌کنند و هومن موفق شده حتی از نابازیگران یا چهره‌های جدید بازی بگیرد و من فکر می‌کنم همه آنان دیده خواهند شد. با وجود نوید محمدزاده و فرهاد اصلانی نیز مخاطب جذب می‌شود و من منتظر یک اکران عمومی خوب هم هستم.

سعید سعدی / تهیه‌کننده

هنجارشکنان دوست‌داشتنی

همیشه گفته‌ام و بار دیگر می‌گویم که امروز کارگردان‌های جوانی به عرصه پا گذاشته‌اند که دارند جایگاه سینما را ارتقا می‌بخشند و آن را متحول می‌کنند.

خوشبختانه سینمای ما از نظر کارگردانی یا بازیگری، چیزی کم ندارد. هر روز نگاه‌های جدید و ایده‌های نو به این سینما تزریق می‌شود که پویاتر است و سینما را به رشد بیشتری می‌رساند. به عبارتی شاعرانه، نسل جدید سینما دارد زمان حال را می‌شکافد و شاید هومن سیدی یکی از آن‌هاست. او یک آرتیست موفق است، هم بازی می‌کند و هم کارگردان است و در هر دو تواناست. او حتی دستی بر تدوین هم دارد. بنابراین، سینما را به خوبی می‌شناسد. بدیهی‌ست وقتی با چنین کارگردانی طرف باشی، از همکاری لذت می‌بری و اگر باز هم مرا دعوت به کار کند، با کمال میل می‌پذیرم، حتی اگر به‌عنوان بازیگر نباشد؛ یعنی حاضرم دستیار باشم یا هر کار دیگری که از من بر بیاید را انجام دهم اما در پروژه باشم. هومن جوانی است که می‌ارزد در تیم او باشی و فعالیت کنی. در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» در نقش پدر چند نفر از بچه‌ها ظاهر شده‌ام، بچه‌هایی که شاید با دیده شدن تیزر و آنونس عصیانگر جلوه کنند اما واقعیت این است که با در نظر گرفتن تعریف عصیانگری در جامعه، این بچه‌ها به گونه‌ای متفاوت از آنچه در وهله اول به ذهن می‌رسد فریاد می‌کشند و جنس درد و دغدغه آن‌ها، مختص خودشان است. سرپیچی از هنجارهای جامعه عصیان لقب می‌گیرد اما در مورد آدم‌های این فیلم باید در نظر گرفت که این هنجارشکنی چرا دارد اتفاق می‌افتد.

فرید سجادی حسینی / بازیگر

با هومن سیدی درباره فضای خاص «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و آدم‌های عجیب آثارش

عصیانی که از بطن جامعه می‌آید

سارا کنعانی

حالا دیگر همه هومن سیدی را با سبک خاص فیلمسازی‌اش می‌شناسند. هرچند که او دارای کارنامه‌ای پربارتر در بازیگری است اما مرور سابقه کارگردانی‌اش نشان می‌دهد آنچه را که ما به‌عنوان امضای فردی هنرمند می‌شناسیم، باید در آثار تالیف شده توسط خود او جست‌وجو کرد. «مغزهای کوچک زنگ‌زده» درست مثل فیلم «سیزده» یا «اعترافات ذهن خطرناک من» آدم‌هایی عصیانگر دارد و البته به نظر می‌رسد واقع‌گرایی «خشم و هیاهو» را هم در خود داشته باشد. او می‌گوید تا زمانی که مقام و مسوولی، با نگرش تازه‌تری به جامعه نظر کند، به این سبک از فیلم‌سازی ادامه خواهد داد.

دو نقش اصلی مرد و زن فیلم شما را دو چهره جدید بازی می‌کنند. این جوان‌ها را چطور انتخاب کردید؟

مدتی است دارم تدریس می‌کنم و در حال دایر کردن مکانی هستم برای آموزش دادن بازیگری به کسانی که ادعا ندارند و تشنه یادگیری هستند. ما تلاش می‌کنیم اتفاقی برای آن‌ها بیافتد. من آدم‌هایی را انتخاب می‌کنم که به‌زعم خودم نه آبروی خودشان را ببرند و نه آبروی مرا. من برای کسانی که در سینما حرفی برای گفتن داشته باشند، هر کاری بتوانم انجام می‌دهم، بدون اینکه هیچ چشم‌داشتی داشته باشم. این کار را در درجه اول برای فیلم خودم و در درجه دوم برای تزریق شدن خون تازه‌ای به سینما انجام می‌دهم. شاید این روش به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید و پیغام‌های متعددی داشته باشد که از من به‌خاطر حضور این همه بازیگر جدید گلایه کنند، اما این شیوه را در پیش می‌گیرم و اصلا هم پشیمان نیستم. هر وقت احساس کنم با معرفی بچه‌های جدید، اتفاقات خوبی برای آنان رخ می‌دهد، حتماً این کار را انجام خواهم داد. از همین الان این نوید را می‌دهم که این دوستان آدم‌های متخصصی هستند و تربیت شده‌اند برای این سینما و می‌دانند که این هنر-صنعت چیست، بدون اینکه کارگردان را آزار بدهند یا اخلاق غیرحرفه‌ای را در پیش بگیرند. آنان یاد گرفته‌اند که بازیگران خوبی باشند؛ امیدوارم روی پرده هم تعاریف من معنی پیدا کند. خوشحالیِ زیاد من زمانی اتفاق می‌افتد که بدانم آینده خوبی به‌واسطه انتخاب من برای‌شان رقم خورده است.

این روند در فیلم بعدی‌تان هم ادامه پیدا می‌کند؟

حتماً، این آدم‌های تازه، به‌مثابه خون تازه به رگ سینما هستند و برایم مهم‌اند.

من آدم‌هایی را انتخاب می‌کنم که به‌زعم خودم نه آبروی خودشان را ببرند و نه آبروی مرا. من برای کسانی که در سینما حرفی برای گفتن داشته باشند، هر کاری بتوانم انجام می‌دهم، بدون اینکه هیچ چشم‌داشتی داشته باشم

عصیانگری آدم‌های فیلم‌های شما تا کجا ادامه دارد؟ این فریادها دست‌آخر قرار است به گوش چه کسی برسد؟

هیچ‌وقت برای من اهمیتی ندارد مشکلی که در فیلمم مطرحش می‌کنم چطور حل می‌شود. دغدغه من نشان دادن راه‌حل به آدم‌ها نیست. تلاش من این است که از جامعه نشات بگیرم و بتوانم داستانی را در درام نشان بدهم که هم حرفی داشته باشد و هم بی‌خاصیت نباشد و هم از تنوعی بهره‌مند باشد که تماشاگر را روی صندلی بنشاند و چیزی را به آهستگی به او تزریق کند. اگر فیلم من دارای عصیان است، به گمانم آن را از جامعه گرفته است. من به‌عنوان فیلمساز همیشه تلاش می‌کنم آینه‌ای باشم. این به آن معنا نیست که همیشه می‌خواهم فیلم تلخی بسازم. این فیلم اتفاقا اصلا فیلم تلخی نیست. اگر هم باشد در انتها بسیار شور و شعف ایجاد می‌کند و شما را خوشحال می‌کند، برای آن که اعتقادی به سیاه‌نمایی در یک فیلم ندارم اما آن‌قدر به این نوع فیلمسازی ادامه می‌دهم تا شاید حجم تلخی در این جامعه، کم و کم و کم‌تر شود و ریشه‌کن. شاید این هدف، ایده‌آل بزرگی باشد اما به‌هرحال یک آرزوست. آرزو هم معمولا جزء نشدنی‌هاست؛ پس اجازه دهید من هم دست‌کم آرزو کنم فقر و اعتیاد از این جامعه ریشه‌کن شود و همه روزگار خوب و خوشی را داشته باشند. این شاید آرمان همه ما کسانی باشد که در یک جامعه در کنار هم زندگی می‌کنیم، اما معنی‌اش این نیست که خوشحال نیستیم و همیشه ناراحتیم اما در عین حال نسبت به مسائل جامعه آگاه هستیم و می‌خواهیم دوربین‌مان را به سمتی ببریم که به همه نشان بدهد این خلا و کاستی وجود دارد که باید فکری به حال آن کرد. اگر مدیر و مسوولی وجود دارد که دارای انصاف است با دیده‌ی دیگری به فیلم من نگاه می‌کند، اگر نه، بیش از این نه در توان من است و نه در حیطه وظایف شغلم. اصلاً تخصص من هم نیست. کار من فقط آگاهی‌بخشی است و سینما در وهله اول برایم مهم است.

چه عجیب که گفته‌اید سیمرغ بازیگری را بیش از سیمرغ بهترین فیلمنامه یا کارگردانی برای این فیلم دوست دارید.

همه کسانی که مرا می‌شناسند می‌دانند اهل شواف نیستم. من عنوان کرده‌ام که دوست دارم فیلمم جایزه بازیگری را ببرد، اما این به آن معنی نیست که اگر سیمرغ کارگردانی یا فیلمنامه ببرم خوشحال نمی‌شوم و اگر در رقابت با فیلمی ضعیف‌تر، ببازم حتما اعتراض خواهم کرد؛ این‌ها را نفی نمی‌کنم اما برای من خوشایند است اگر بازیگرانم دیده شوند. این حداقلی‌ترین دستاوردی است که می‌تواند نصیب ما شود و می‌دانم زور این بچه‌ها آن‌قدری هست که لایق این تشویق باشند. برای کسی مثل شادمان فر آرزوی سیمرغ ندارم، زیرا او مدت‌هاست که در حرفه فیلمبرداری، خودش را اثبات کرده، همین‌طور مهران ملکوتی یا مارال جیرانی در کار خودشان یا محسن نصراللهی یا آقای سعدی در کسوت خود؛ من امید دارم کلیت فیلم ما جایگاه خودش را پیدا کند و مطمئنم این اتفاق رخ خواهد داد و ما دیده می‌شویم.

این که نوید محمدزاده در یک نقش غیراصلی در فیلم شما بازی دارد هم جالب‌توجه است.

نوید محمدزاده مثل دوست یا برادر من است. اما این را از منظر حرفه‌ای می‌گویم؛ او دارد چند سطح به علم بازیگری در ایران اضافه می‌کند. شاید از این حرف من خیلی‌ها خوشحال نشوند، اما یک حقیقت است. شوقی در او وجود دارد که تمامی ندارد. او حتی ممکن است توانایی خاصی را در یکی از شاگردان من ببیند و به آن غبطه بخورد و سعی کند در خودِ امروزش به وجود بیاورد. چنین روحیه‌ای در فرهاد اصلانی هم وجود دارد و برای من قابل ستایش است.هیچ بازیگری بی‌جهت صاحب اسم و رسم نمی‌شود.

هستند منتقدانی که جنس خاص بازی محمدزاده را مستعد افتادن به ورطه تکرار قلمداد می‌کنند. در فرآیند بازی‌گرفتن از او بابت این تکرار نگرانی نداشتید؟

بازی گرفتن برای کسی که خودش یک بازیگر است اصطلاح خوبی نیست، این را برای کسی به کار می‌برند که نابازیگر باشد و بخواهد برای اولین‌بار جلوی دوربین برود. اما اگر منظور هدایت است من تلاش کردم آن کاری را که درست است انجام بدهم. اگر کسانی چنین نظری درباره محمدزاده دارند یا دارند شیطنت می‌کنند یا حسادت می‌ورزند. نوید محمدزاده حتی می‌تواند از بازیگران مهم دنیا هم متفاوت‌تر باشد. من می‌توانم این را روی کاغذ، روی مونیتور، روی پرده سینما اثبات کنم.

همه کسانی که مرا می‌شناسند می‌دانند اهل شواف نیستم. من عنوان کرده‌ام که دوست دارم فیلمم جایزه بازیگری را ببرد، اما این به آن معنی نیست که اگر سیمرغ کارگردانی یا فیلمنامه ببرم خوشحال نمی‌شوم و اگر در رقابت با فیلمی ضعیف‌تر، ببازم حتما اعتراض خواهم کرد

نقدی بر افراطی‌گری

محمد صابری

فیلم‌های پرویز شیخ‌طادی کم‌کم تبدیل به یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های سینمای ایدئولوژیک در ایران می‌شود؛ سینمایی مبتنی‌بر ارائه محتوایی تحلیلی و هدفمند با رویکرد افشاگری نسبت به آنچه در پس پرده تحولات عیان سیاسی و مذهبی در جهان امروز جریان دارد. شیخ‌طادی پس از فیلم «روزهای زندگی» که در وترین فجر خوش درخشید و توانست سیمرغ بهترین فیلم را هم شکار کند، در ادامه مسیر خود از سینمای دفاع مقدس فاصله گرفت و وارد فضایی متفاوت از داستان‌گویی شد. «شکارچی شنبه» اگرچه رنگ و لعابی به‌شدت سینمایی داشت اما بیشتر به‌واسطه محتوا و مضمون موردنقد و بررسی قرار گرفت. فیلمی که روایتی ناگفته از ماهیت برخی جریانات بیمار فکری در میان مدعیان قوم یهود بود و داستان کودکی را به تصویر می‌کشید که قرار بود در بستر فکری این مدعیان افراطی تربیت‌شده و میراث‌دار انحرافات فکری خاندانش شود. «شکارچی شنبه» با بازی متفاوت علی نصیریان واکنش‌های متفاوتی را نه فقط در سینمای ایران که در ابعاد بین‌المللی پیدا کرد و شاید به پشتوانه همین واکنش‌ها بود که شیخ‌طادی تصمیم به ادامه مسیر گرفت؛ «امپراطور جهنم» محصول همین فرآیند است. فیلمی که وجه اشتراک آن با «شکارچی شنبه» نقد افراطی‌گری مذهبی است و این‌بار محور اصلی آن نه قوم یهود که وهابیت ریشه گرفته در خاندان آل‌سعود است. این‌بار هم علی نصیریان بازیگر اصلی فیلم محسوب می‌شود و دور از انتظار نیست که این‌بار هم مانند فیلم قبلی شیخ‌طادی ابعاد ایدئولوژیک و محتوایی فیلم بر مختصات سینمایی آن سایه بیندازد؛ باید منتظر بازتاب‌های رونمایی از «امپراطور جهنم» باشیم.

با پرویز شیخ‌طادی درباره تکمیل سه‌گانه‌اش علیه تندروی‌های مذهبی

فیلم بعدی‌ام درباره افراط در جهان تشیع است

حد فاصل حضور دوباره پرویز شیخ‌طادی در جشنواره فیلم فجر از «شکارچی شنبه» تا «امپراطور جنهم» شش سال می‌گذرد. سال گذشته فیلم او به صورت ناقص به هیات انتخاب ارائه شد و به همین دلیل هیات انتخاب نتوانست برای حضور این فیلم در بخش مسابقه تصمیم‌گیری کند، اما امسال بالاخره با تکمیل مراحل فنی فیلم به جشنواره رسید و به دلیل تصویری که از داعش و ریشه‌های سعودی آن نشان داده کنجکاو برانگیز است.

آخرین ساخته پرویز شیخ طادی که آن هم مانند فیلم قبلی مضمون مبارزه با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی داشت، عملکرد آل سعود و نقش گروهک های تندرو اسلامی مانند داعش را زیر تیغ نقد برده است. یکی از نکات قابل توجه در این فیلم سینمایی، به نمایش درآوردن شخصیت های سیاسی جبهه مقاومت یعنی سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله و عبدالملک الحوثی رهبر انصارالله یمن است که در کشورهای فرانسه، گرجستان و ایران فیلمبرداری شده است.

با شیخ‌طادی درباره انگیزه ساخت این فیلم، پس از «شکارچی شنبه» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

پرونده

فجر نامه

بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

■ درباره «امپراطور جهنم» اطلاعات و گمانه‌زنی‌های پراکنده‌ای در فضای رسانه وجود دارد؛ خود شما این فیلم را چگونه معرفی می‌کنید و فکر می‌کنید چه جایگاهی در کارنامه فیلمسازی‌تان دارد؟

این فیلم را به‌نوعی ادامه مسیر فیلمسازی‌ام در «شکارچی شنبه» می‌دانم. فیلمی سیاسی و اجتماعی که با نگاهی ویژه به تحلیل حوادث و تحولات منطقه می‌پردازد.

■ این مسیر در فیلمسازی چقدر برآمده از یک پروژه فکری شخصی و چقدر محصول سفارش است؟

نکته بسیار مهم در سؤال شما بحث «سفارش» است و این‌گونه به نظر می‌رسد که باید از سوی دولت یا مرکز و نهادهای فرهنگی متولی چنین سفارش‌هایی وجود داشته باشد، اما واقعیت این است که هیچ اتفاقی در این زمینه رخ نمی‌دهد و برخلاف بودجه‌ای که برای این دست سفارش‌ها مصوب می‌شود، هیچ سفارشی وجود ندارد! من فیلمسازی هستم که بر اساس دغدغه شخصی‌ام درباره تحولات منطقه وارد حوزه سینمای استراتژیک می‌شوم. در دنیایی که مرزها برداشته شده است، باید به این حوزه‌ها ورود کنیم و اساسا شاهد کاریکاتوری از «مرز» در دنیای امروز هستیم. وقتی من نوعی وارد این حوزه می‌شوم باید بگردم تا نهادها و ارگان‌هایی که بودجه‌هایی دارند اما ترجیح می‌دهند آن را خرج پوستر و همایش کنند را با تلاش زیاد مجاب به ورود به عرصه سینما کنم.

■ این سوژه‌ها و داستان‌ها چه ویژگی‌ای دارد که احساس می‌کنید به‌جای پوستر و همایش باید در قالب یک فیلم سینمایی ارائه شود؟

احسنت؛ نکته واضح اتفاقاً پیدا کردن مؤثرترین ابزار است و چه جای تردید که امروز سینما چنین تأثیرگذاری‌ای دارد.

■ با تاکیدی که بر روایت فرامرزی داستان‌تان دارید؛ واقعا روی ارائه خارج از کشور آن هم طراحی و محاسبه‌ای کرده‌اید؟

این دست سوژه‌ها علاوه‌بر ارزش‌های محتوایی باید ظرفیت داستانی داشته باشند و مهم است که ما آن را برای کدام مخاطب به تصویر درمی‌آوریم. تلاش ما در این فیلم‌ها این بوده است که برمبنای محتوایی که مدنظر داریم داستانی جذاب را استخراج کنیم. برخی داستان‌ها را ترکیب می‌کنیم و برخی کاراکترها و داستان‌ها ظرفیت پرداخت مستقل را پیدا می‌کنند. آنچه را که دغدغه بیان آن داریم را این‌گونه در قالب داستان و فیلم روایت می‌کنیم. درباره پخش بین‌المللی این‌دست آثار هم ما بیشتر نیاز به یک درک بین‌المللی داریم. در موارد زیادی مخاطبان جهانی هم مانند ما نسبت به برخی سوژه‌ها واکنش و

من فیلمسازی هستم که بر اساس دغدغه شخصی‌ام درباره تحولات منطقه وارد حوزه سینمای استراتژیک می‌شوم. در دنیایی که مرزها برداشته شده است، باید به این حوزه‌ها ورود کنیم و اساسا شاهد کاریکاتوری از «مرز» در دنیای امروز هستیم

احساس دارند اما به‌طور خاص و پس از رسیدن به روایت نهایی تلاش می‌کنیم زبانی جهانی برای آن هم پیدا کنیم.

■ «امپراطور جهنم» نزدیک به دو سال فرآیند تحقیق و پیگیری برای حضور در جشنواره را پشت سر گذاشته است. با توجه به تحولاتی که در منطقه، به‌ویژه درباره سرنوشت گروه‌های تکفیری شاهد بوده‌ایم، احساس می‌کنید روایت شما از پشت پرده این گروه‌ها همچنان تازگی دارد؟

توهم سعادت و توهم رستگاری همچنان وجود دارد و ظرفیت انحراف به‌واسطه این توهم است که هر بار به شکل تازه‌ای شاهد ظهور آن هستیم. تا زمانی که این ظرفیت وجود دارد، سوژه آن هم تازه است. «امپراطور جهنم» اصلاً متمرکز بر جریانی خاص به نام داعش نیست. اندیشه و ظرفیت این انحراف و جهل است که در فیلم موردنقد قرار می‌گیرد. این ظرفیت انحراف و جهل حتی در جامعه امروز خودمان هم وجود دارد. این ظرفیت در افراطیون همه ادیان وجود دارد.

■ پس پروژه اصلی شما در سینما، تقابل با افراطی‌گری فکری و مذهبی است؟

دقیقاً. کمااینکه شکارچی شنبه هم حرفش همین بود. وقتی می‌بینیم یک رهبر دینی تورات را در آب می‌اندازد و می‌گوید روزی از شر همه این‌ها راحت می‌شویم، این اوج انحراف است. این انحراف به یک خودپرستی منتهی می‌شود و دقیقا به همین دلیل هم جنسش خداپرستی و توحید نیست.

■ حضور علی نصیریان به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص نسل اول بازیگری در سینمای ایران در دو فیلم اخیر شما بسیار مؤثر بوده است؛ درباره این همکاری کمی توضیح می‌دهید.

علی نصیریان یک جوان ۸۳ ساله در سینمای ایران است. زمانی که وارد گود بازیگری می‌شود کلا باید شرایط سن و سال او را فراموش کنید. با شناختی که در این سال‌ها پیدا کرده‌ام معتقدم بدون شناخت هیچ نقشی را نمی‌پذیرد، نه اهل تن دادن به رفاقت است و نه هیچ‌چیز دیگر، مهم فیلمنامه است و گام بعدی باور. زمانی که درباره شکارچی شنبه صحبت کردیم تا زمانی همه اسناد را ندید و به اطمینان نرسید حاضر به همکاری نشد. در «امپراطور جهنم» هم همین فرآیند طی شد و کاملاً بر اساس باور و شناخت حضور در فیلم را پذیرفت.

■ این پروژه فکری شما در سینما احتمال دارد قسمت سومی هم داشته باشد؟

حتماً این‌گونه است و ان‌شاالله... در سال‌های آینده اگر اجازه‌های لازم صادر شود می‌خواهم سراغ انحرافات و تندروی‌های موجود در جهان تشیع بروم. افراطی‌گری هدف اصلی فیلم‌های من بوده است و با توجه به اینکه در میان شیعیان هم این جنس تندروی‌ها وجود دارد، باید یک بررسی جدی در این زمینه صورت بگیرد.

■ این قسمت سوم در مرحله ایده است یا فیلمنامه‌ای هم برای آن دارید؟

هنوز به مرحله فیلمنامه نرسیده‌ایم اما داستان‌هایی در این زمینه آماده کرده‌ام که فعلاً نیاز به بررسی و تحقیق بیشتر دارد و امیدوارم بتوانم این پروژه را هم به سرانجام برسانم.

«امپراطور جهنم» اصلا متمرکز بر جریانی خاص به نام داعش نیست. اندیشه و ظرفیت این انحراف و جهل است که در فیلم موردنقد قرار می‌گیرد. این ظرفیت انحراف و جهل حتی در جامعه امروز خودمان هم وجود دارد. این ظرفیت در افراطیون همه ادیان وجود دارد

پرونده‌ای درباره فیلم تازه کارگردان «من»

فراموش شدگان

محمد صابری

«اثر دیگری از کارگردان فیلم من»، همین گزاره برای بسیار از فیلم‌بازهای پیگیر جشنواره فجر کافی بود تا منتظر رونمایی از «عرق سرد» باشند. فیلم تازه سهیل بیرقی که دو سال قبل با اولین فیلم خود یعنی «من» توانست توجه بسیاری از منتقدان و مخاطبان جشنواره‌ای را به سمت خود جلب کند. بیرقی اما این‌بار و در دومین تجربه کارگردانی خود، کمی از فضای فیلم‌اولی فاصله گرفته است. این‌بار او سراغ ماجرای حساس ورزش زنان رفته و از همین زاویه یک فوتسالیست زن را به‌عنوان کاراکتر اصلی داستان خود انتخاب کرده است. کاراکتری که ایفاگر نقش آن باران کوثری است و باید دید آیا او هم می‌تواند مثل بازیگری اصلی فیلم اول بیرقی یعنی لیلا حاتمی، مقابل دوربین این فیلمساز جوان خوش بدرخشد؟ در ترکیب بازیگران «عرق سرد»، امیر جدیدی دومین همکاری با بیرقی را تجربه می‌کند و در کنار او سحر دولتشاهی و لیلی رشیدی هم حضور خواهند داشت.

سهیل بیرقی در فیلم تازه خود سراغ طیفی فراموش‌شده از زنان جامعه رفته است و از این منظر می‌توان فیلم او را از آثار بحث‌برانگیز و دغدغه‌مند جشنواره امسال دانست. فیلم‌برداری فرشاد محمدی، تدوین بهرام دهقانی و موسیقی کارن همایونفر هم طبیعتا کمک خواهد کرد تا فیلم به یکی از آثار پرستاره در ترکیب عوامل پشت دوربین هم تبدیل شود. سهیل بیرقی حالا آزمون دشواری پیش رو دارد، آیا او می‌تواند انتظاراتی که با فیلم اولش به‌وجود آورده، در گام دوم فیلم‌سازی‌اش پاسخ دهد؟

با سهیل بیرقی از تجربه جدید فیلمسازی و شکل‌گیری ایده «عرق سرد»

قدم زدن در تاریکی را دوست دارم

جزو فیلم‌اولی‌های جشنواره دو سال گذشته بود و اتفاقا اولین تجربه کارگردانی‌اش با اقبال مخاطبان حرفه‌ای‌تر و منتقدان سینمایی مواجه شد. سهیل بیرقی اما امروز همان‌طور صحبت می‌کند که دو سال قبل و پیش از رونمایی از فیلم اولش. او در گام اول موفقیت مهمی را بدست آورد اما گویی قصدی برای توقف بر روی موفقیت قبلی خود ندارد و بدنبال ریسک‌پذیری و تجربه‌های تازه است. صحبت با او را از همین حس و حالش پس از موفقیت «من» آغاز کردیم.

بعد از «من» انتظار ما در مقام مخاطب از سهیل بیرقی بالا رفت، برای گام دوم انتظار خودتان هم از استاندارد کاری خودتان بالاتر رفته است؟

برای گام دوم هیچ انتظاری از خودم نداشتم. من فقط می‌خواستم کار کنم. احساسم این است که هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوم باید کاری انجام دهم. مهم‌ترین اصل زندگی‌ام این است که هر روز باید کار کنم و روزی که در آن کاری نکنم، خودم را نمی‌بخشم. برمبنای همین اصل و به‌دور از هر نکته دیگری خواستم کار کنم. نه فکر کردم که در گام دوم کارگردانی هستم، نه بدنبال این بودم که آیا گام اول مهم‌تر است یا گام دوم! من فقط به غریزه‌ام توجه می‌کنم و درباره این فیلم هم غریزه‌ام این آدرس را داد که نباید متوقف شوم و باید فیلم بسازم.

برمبنای همین حس غریزی بعد از آنکه فیلم اولم ساخته شد و به‌عنوان فیلمساز معرفی شدم، بهترین گزینه برایم ادامه فیلمسازی بود. به همین دلیل فیلم دوم را هم ساختم.

با این زاویه نگاه اساسا ورود به عرصه کارگردانی را نقطه عطفی در مسیر فعالیت حرفه‌ای خود نمی‌دانید؟

تصمیمی برای این تغییر فاز نگرفتم. خودم را به جریانی که در درونم شکل گرفته بود سپردم. این‌گونه نبود که تصمیم بگیرم از جایی به بعد وارد فاز کارگردانی شوم یا بگویم حالا باید فیلم دومم را بسازم. با ایده‌ای مواجه شدم که اصلا رهایم نکرد. هرجا می‌رفتم آن ایده هم همراهم بود. زمانی ایده‌هایم را می‌نوشتم اما از جایی به بعد احساس کردم، ایده‌ها را نباید نوشت چراکه ایده خوب رهایت نمی‌کند. اگر ایده‌ای را ننوشتی اما در ذهنت ماند، یعنی ایده خوبی

است. ایده‌های بد هستند که به‌صورت خودکار از ذهن پاک می‌شود. درباره «عرق سرد» هم با چنین ایده‌ای مواجه شدم که نه‌فقط رهایم نکرد که یک روز متوجه شدم مشغول نوشتن آن هستم و یک روز دیگر چشم باز کردم و دیدم فیلم‌برداری آن به پایان رسیده است.

جرقه اولیه این ایده، نسبتی با خبرهای مرتبط با دختران فوتسالیستی داشت که همه ما به نوعی در جریان آن بودیم؟

نه. همه حرف‌های مطرح شده درباره اینکه فیلم «عرق سرد» درباره شخص خاصی است یا زندگی‌نامه کسی را روایت می‌کند، تکذیب می‌کنم. فیلم درباره فوتبال بانوان است و به هیچ وجه برگرفته از زندگی فرد خاصی نیست. این داستان به هزاران زنی می‌پردازد که بی‌نام و نشان‌اند و هیچ کس خبری از آن‌ها ندارد. اتفاقاً تمرکز من بیشتر روی آن‌هایی است که اصلاً نام‌شان رسانه‌ای نشده و کسی از آن‌ها خبر ندارد.

اما تمرکز اصلی فیلم روی «ورزش بانوان» است...

بله. روی ورزش است چراکه فرصتی به زنان ورزشکار ایرانی داده نمی‌شود که حتی بگویند ما هم هستیم. اتفاق ویژه برای زنان ورزشکار ما این است که فقط دیده شوند!

از این زاویه فیلم را می‌توانیم یک فیلم ورزشی بدانیم، یا بیشتر یک اثر اجتماعی است؟

«عرق سرد» نه فیلم ورزشی است و نه اجتماعی. واقعیت هم این است که خیلی دسته‌بندی‌های این‌گونه را در سینما بلد نیستم. در فیلم ما داستان دختر ورزشکاری را روایت می‌کنیم که در مسیر پیشرفت با موانعی مواجه می‌شود و این موانع ریشه در اجتماع دارند.

از منظر دوری از تعاریف مرسوم ژانری، می‌شود گفت بازهم با فضا و روایتی از جنس فیلم «من» مواجه خواهیم بود؟

حداقل از نظر خودم، «عرق سرد» دنباله‌ای بر تجربه «من» نیست. نخواستم فیلمی بسازم که ادامه فیلم قبلی باشد. عبور مجدد از مسیر تجربه‌شده، اساسا برایم جذابیتی ندارد. دوست دارم قدم در راهی بگذارم که آن را نمی‌شناسم. رامرفتن در تاریکی را بیشتر دوست دارم. ادامه دادم فیلم قبلی برای من حکم عبور از یک مسیر تکراری را داشت. به همین دلیل سراغ فیلمی رفتم که شناختی از آن نداشتم و مسیرش برایم تازگی داشت. فکر می‌کنم مخاطبانی که به دنبال تماشای فیلمی شبیه «من» هستند هم بهتر است با

من در این کار سعی کردم با بعضی موضوعات شوخی کنم و به نظر خودم موفق شدم. وجه کمدی و اجتماعی داستان هر دو باهم خوب هماهنگ شده است و داستان را جلو می‌برد. درواقع این دو در هم تنیده شده است

سیمرغ، بی‌حرف و حدیث

ایده‌آلم این است که درباره «عرق سرد» صحبتی نداشته باشم تا مخاطب آن را تماشا کند و برداشت‌های خودش را داشته باشد. سی و ششمین دوره از جشنواره هم مثل جشنواره‌های دیگر برگزار می‌شود و مثل هر سال در پایان کار، عده‌ای را خوشحال و عده‌ای را ناراضی خواهیم یافت. همیشه یک عده ناراحتاند از اینکه فیلم‌های‌شان انتخاب نمی‌شود و یک عده ناراحتاند از اینکه فیلم‌های‌شان سیمرغ نمی‌برد. همه ما ایرانی‌ها دوست داریم پشت‌بند شرکت کردن در هر رقابتی برنده هم باشیم در حالی که از نظر من این نگاه صحیح نیست و هیچ‌وقت به جشنواره، این‌چنین نگاه نداشته‌ام. هیچ‌وقت هنگام شروع کردن فیلم‌برداری یک فیلم، درگیر برنده شدن یا نشدن آن نمی‌شوم، کما اینکه من امسال چهار فیلم کار کردم و یک مورد آن در جشنواره حاضر است. حسی که الان با همین یک فیلم دارم فرقی ندارد با حس من در زمانی که چند فیلم در جشنواره دارم. ما فیلم را برای دیده شدن می‌سازیم و جایزه بردن، در رده‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرد، هرچند که برای چهره‌های جدیدتر این حضور اهمیت ویژه‌ای دارد و موجه هم هست. خیلی اوقات پیش می‌آید قدیمی‌ترها اعتماد خود را نسبت به نتایج نهایی جشنواره از دست می‌دهند و البته امیدوارم امسال این اتفاق رخ ندهد. سیمرغ باید اعتبار و آبروی یک هنرمند باشد و ای کاش نحوه داوری‌ها و انتخاب‌ها به این شکل نباشد که او از بردن آن خجالت بکشد و حرف‌وحدیثی پشت ماجرا وجود نداشته باشد.

فرشاد محمدی / فیلم‌بردار

نگاهی متفاوت به تماشای «عرق سرد» بنشینند.

اصولا با توجه به اینکه در این فیلم داستانی ورزشی روایت می‌شود، از نظر ریتم و ضرب‌آهنگ باید متفاوت از «من» باشد...

بله. فیلم اول من تعمدا فضایی سرد داشت اما ریتم درونی فیلمنامه «عرق سرد» بسیار تندتر از «من» است. در این فیلم با یک قصه واحد مواجهیم اما در فیلم قبلی شاهد تعدد خرده‌پی‌رنگ‌ها بودیم. اینجا قهرمان واحدی داریم و درمجموع فیلم گرم‌تری است.

پس احتمالاً مخاطب عام ارتباط بیشتری با این فیلم برقرار خواهد کرد.

دقیقاً. جذابیت «عرق سرد» برای خود من به این دلیل بود که احساس کردم تجربه کارگردانی تازه‌ای است.

در فیلم «من» سهم ویژه‌ای از موفقیت فیلم بر دوش بازیگر اصلی یعنی لیلا حاتمی بود، کمی از ترکیب بازیگران «عرق سرد» بگویید و اینکه چگونه برای نقش اصلی به باران کوثری رسیدید؟

زمانی که فیلمنامه می‌نویسم با رویاپردازی هنرمندانی که می‌توانند نقش‌ها را ایفا کنند می‌نویسم و این‌گونه نیست که برمبنای فیلمنامه کامل به‌دنبال انتخاب بازیگر بروم. در «عرق سرد» هم لباس کاراکترها را از ابتدا متناسب با توانایی و قابلیت‌های بازیگرانی که در ذهن داشتم دوختم. باران کوثری، امیر جدیدی، سحر دولتشاهی و لیلی رشیدی از ابتدا در ذهن من بودند و خدا رو شکر که همه پذیرفتند و با فیلم همراه شدند.

نشست فیلم‌های روز چهارم برگزار شد

شب شلوغ سینمای رسانه

محسن دلیلی

چهارمین روز از سی و ششمین جشنواره فیلم فجر، با اکران فیلم‌های «امیر»، «خجالت نکش» و «به وقت شام» همراه بود؛ آن هم در روزی که سالن نشست‌های مطبوعاتی پردیس ملت، یکی از شلوغ‌ترین شب‌های خود را تجربه می‌کرد.

«امیر»، پرتره‌ای از جوان امروزی

نیما اقلیما، اولین کارگردانی بود که فیلمش برای اهالی رسانه و منتقدان اکران شد. کارگردان فیلم «امیر» در این نشست، با اشاره به اینکه به‌عنوان یک کارگردان فیلم‌اولی، در جشنواره حضور پیدا کرده است، گفت: «پروسه حضور در جشنواره بسیار سخت است. امیدوارم من جزیی از این کل که نسل جدید هستند، باشم و توانایی‌های این نسل را که پشت این صف‌ها مانده‌اند به خوبی نشان دهم. ما روی کلیشه‌های قهرمان‌سازی تمرکز نداشتیم و این فیلم پرتره‌ای از یک جوان امروزی است.»

اقلیما ادامه داد: «ما در هر سکانس، هم روابط طولی و هم عرضی داشتیم و تلاش شد که به صورت موسیقایی به فیلم نگاه کنیم. این فیلم شخصیت‌محور است و قاب فیلم بیان‌گر شخصیت تنهای امیر است.» او در پاسخ به انتقادی که از حضور بیش از حد سیگار در این فیلم شد، توضیح داد: «تلاش ما بر این بود که فیلمی ضدسیگار بسازیم؛ اما قطعا برای گفتن این حرف باید آن را نشان می‌دادیم و فقط یک آدم سیگاری می‌داند که افراد چقدر درگیر آن می‌شوند و می‌خواستیم پیام دهیم که ترک آن سخت، ولی شدنی است.»

سحر دولتشاهی بازیگر این فیلم نیز در سخنانی، اظهار کرد: «اولین مواجهه من با فیلمنامه برایم بسیار هیجان‌انگیز بود و بازی کردن در نقش کسی که تعادل روحی ندارد برایم بسیار جالب بود. البته ترجیح می‌دادم در نقش بزرگ‌تر و اصلی‌تری بازی کنم اما این سناریو را دوست داشتم.»

میلاد کی‌مرام نیز درباره نقشش گفت: «خیلی وقت بود که به فکر تغییر بودم و هدفم این بود که تا ۳۰ سالگی مانند یک موزیسین، تمامی نقش‌ها را امتحان کنم و بعد آنچه را دوست داشته‌ام، انتخاب کنم. من وقتی یک شخصیت را دوست داشته باشم از خود واقعی‌ام، فاصله می‌گیرم. همچنین برای دیده شدن و حتی گرفتن جایزه در جشنواره حضور پیدا نکردم؛ بلکه جایزه من بازی در این فیلم سینمایی بود که یکی از سخت‌ترین نقش‌هایی بود که تا به حال انجام داده‌ام.»

«خجالت نکش»، ساده و سرگرم کننده

دومین فیلم به نمایش درآمده در پردیس ملت، فیلم سینمایی «خجالت نکش» ساخته رضا مقصودی بود. این کارگردان در ابتدای این نشست، بیان کرد: «زمانی که این فیلمنامه را نوشتم، آن را در اختیار قانون گذاشتیم.

مسوولان پروانه ساخت آن را بررسی کردند و مجوز کار دادند. من در این فیلم مصلحت‌اندیشی نکرده‌ام؛ مگر مصلحت زیبایی‌شناسانه و محتوایی. درباره خطوط قرمز نیز مسوولان مربوطه سازوکاری دارند. فیلم ما براساس مجوز ساخت تولید شده است.»

او در پاسخ به سوالی درباره لهجه بازیگران فیلم، خاطرنشان کرد: «شخصیت‌های فیلم باید لهجه می‌داشتند. برای اینکه فیلم روستایی بود و وقتی ما مکانی را در فیلم نشان می‌دهیم که جای خاصی نیست، باید لهجه را طراحی می‌کردیم. به اعتقاد من لهجه در این فیلم به پیشبرد قصه کمک کرده است.»

شبنم مقدمی یکی از بازیگران فیلم، در پاسخ به سوالی درباره پذیرش نقش شخصیتی که مسن است و سختی‌های ایفای نقش در آن، تصریح کرد: «می‌دانم بازی کردن در این نقش‌ها کار سختی است اما در عین حال آن را برای خودم یک شانس و بخت می‌دانم که ببینم چگونه از عهده آن برمی‌آیم.»

امیرپروین حسینی، تهیه‌کننده فیلم در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه سرمایه فیلم‌های کمدی که شما می‌سازید، از کجا تامین می‌شود، پاسخ داد: «پس از موفقیت‌های فیلم‌های کمدی که پیش از این تولید کرده بودیم، با انبوهی از سرمایه‌گذاران مواجه شدیم که تصویر درستی از این قضیه ندارند. کسی می‌تواند در سینما سرمایه‌گذاری کند که عاشق فرهنگ کشورش باشد.»

نیمه شب شلوغ با سرباز حاتمی‌کیا

اما فیلم سینمایی «به وقت شام» آخرین ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا، یکی از شلوغ‌ترین سانس‌ها و نشست‌های مطبوعاتی جشنواره را رقم زد. در ابتدای این نشست، ابراهیم حاتمی‌کیا، با بیان اینکه سال ۶۵ بود که اولین فیلم خود را ساختم که مصادف با کربلای ۵ بود، افزود: «من باید در کنار فیلم می‌ماندم و این برایم سخت بود. اما بعد از کارم به منطقه رفتم. این را می‌گویم برای اینکه بدانید «به وقت شام» فیلمی است که آن را یک سرباز ساخته است. من خودم را سرباز این کشور و نظام می‌دانم و همچنان دلم برای مدافعان می‌تپد. من را یک سرباز بدانید که دوست داشتم با آن افراد می‌رفتم.» او در پاسخ به سوالی درباره استفاده زیاد از جلوه‌های ویژه و درنیامدن کار، اظهار کرد: «استطاعت سینمای ما این است و افتخار می‌کنم بچه‌های ایران، این فیلم را ساخته‌اند و حتی یک دلار خرج آن نکرده‌ایم. ما می‌خواستیم با بچه‌های متخصص ایرانی کار کنیم. حتی به قیمت طعنه‌هایی که شما می‌زنید.» کارگردان «به وقت شام» درباره باورپذیر نبودن چهره داعشی‌ها تصریح کرد: «روزی کل گروه را جمع کردم و گفتم همگی بنشینید و فیلم‌هایی که داعشی‌ها ساختند، نگاه کنید و به خصوص صحنه‌های بریدن سر و خفه کردن زیرآب را ببینند. واقعیت این است ترکیب داعش، به شدت بزرگ‌نمایی است. اگر آن فیلم‌ها را ببینید، متوجه می‌شوید همین‌هایی است که ما نشان دادیم. من اصرار داشتم فیلم داستان داشته باشد و در دل آن، حرف‌هایش را بزند.» حاتمی‌کیا درباره ساخت مستندی

درباره آیتا... هاشمی رفسنجانی، گفت: «سوژه‌ای بود و باید از چند نفر تحقیق می‌کردم اما آنان فوت کردند. من همچنان حاتمی‌کیا هستم و شرمم می‌شود که «گزارش یک جشن» اکران نشد.»

هادی حجازی‌فر نیز درباره ایفای نقش در این فیلم، توضیح داد: «من به شدت از ایفای این نقش می‌ترسیدم؛ برای اینکه نکند به فیلم آقای حاتمی‌کیا آسیب بزنم اما این تیتر به غلط در یکی از رسانه‌ها منتشر شد که من خودم را در این فیلم دوست نداشتم. من در این فیلم یاد گرفتم و عجیب خودم را در آن دوست دارم.» او درباره نقش‌های خود در آینده بیان کرد: «می‌خواهم چند فیلم کمدی مبتذل بازی کنم تا خیال همه درباره نقش‌هایم راحت شود و متفاوت باشم.»

نشست
فجر نامه
بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

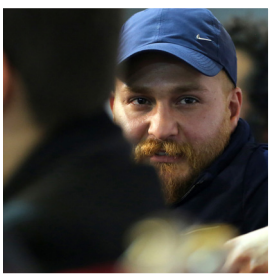

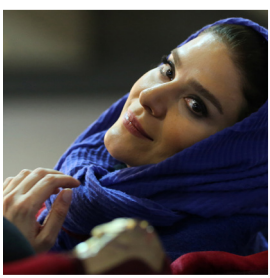

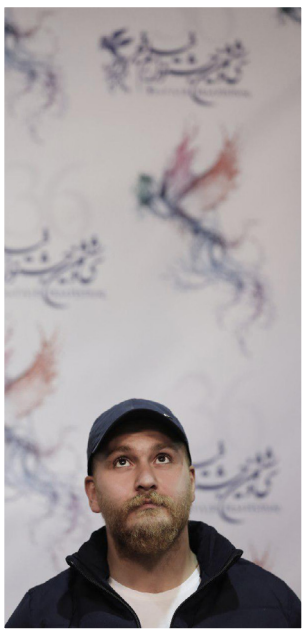

قاب ویژه

فجر نامه

بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

بولتن مجازی سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

فجر نامه

شماره دوازدهم، سه شنبه ۷ بهمن ۹۶

نشریه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

مدیر مسوول: ابراهیم داروغه‌زاده

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)

سردبیر: احسان هوشیارگر

مشاور سردبیر: علی افشار

معاون سردبیر: محمدحسین لواسانی

مدیر هنری: علی شکوری

دبیر عکس: محمدحسن هندی

گرافیک: زینب فلاح، مهدی متناصری و مهرناز انصاری

عکاس: میلاد پیامی، معین باقری، سحر محراب بیگی، سهیل صلاحی‌زاده

مدیر اجرایی: محسن دلیلی

پرونده فیلم‌ها: محمد صابری

تحریریه: سارا کنعانی، محمدرضا کاظمی، امید سهرابی، سپیده حیدرآبادی، مهدیه حیدر، مریم علی‌بابایی، صدف فاطمی، حسام الدین افروز و دنیا عیوضی

با تشکر از: جلیل اکبری صحت، عزت‌الله علیزاده، محمدرضا فرجی، مریم جلالی، بابک بیات، سید محمدصادق لواسانی، محمد نوری، محسن مهاجر، محمد نیکبخت، و با تشکر ویژه از همراهی موسسه رسانه‌های تصویری

www.fajrfilmfestival.com @fajrfilm36 @fajrfilmofficial

با پرویز شیخ‌طادی درباره تکمیل سه گانه‌اش علیه تندروی‌های مذهبی

فیلم بعدی‌ام درباره افراط در جهان تشیع است

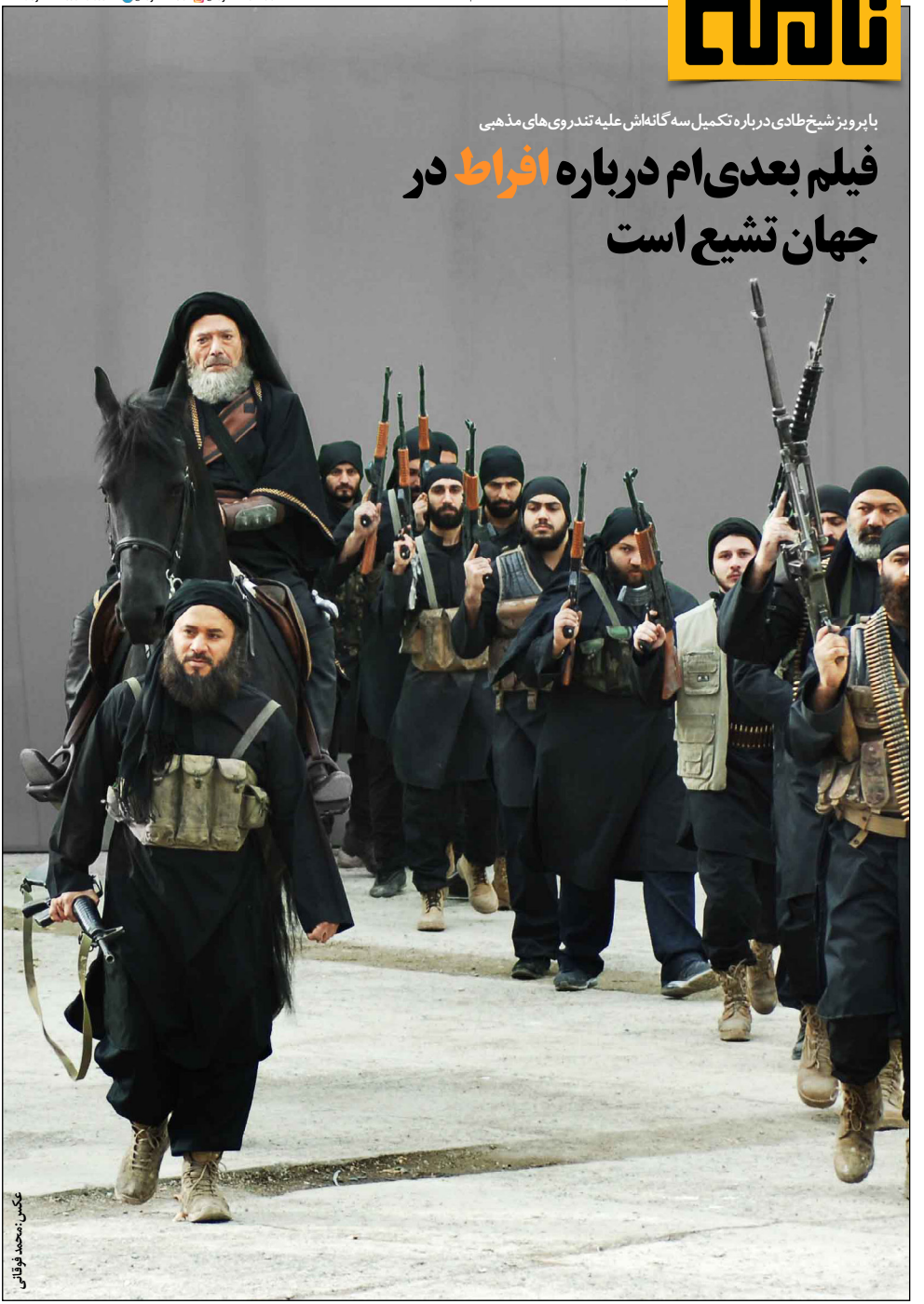

عکس: محمد فوقانی